

متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد عزیز. متاسفانه تفکری در جامعه ی امروزی شکل گرفته که بزرگانی همچون آیت الله قاضی و علامه طباطبایی و آیت الله بهجت و علامه حسن زاده و دیگر بزرگان را به دور از مسیر انقلاب و سیاست می دانند و روش سلوکی این بزرگان را، ضد استکباری و استکبار ستیز نمی دانند. عده ای که از تعمق در مبانی انقلابی و استکبار ستیزی بی بهره اند، چنین می پندارند که روش سلوکی به ظاهر مختلف بزرگانی دینی در طول تاریخ، نوعی تفرقه و اختلاف است. در حالی که این روش سلوکی به ظاهر مختلف، در زندگانی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام هم هست. و نمی دانند که شرایط و ظرفیت هر زمانه و تاریخی، یک نوع روش سلوکی خاص را می طلبد که البته همه ی این روش های به ظاهر مختلف، به یک حقیقت متعالی اشاره دارد. شما خودتان فرمودید که شک نکنید اگر آیت الله قاضی و علامه طباطبایی در زمان انقلاب بودند، حتما چمران و صیاد شیرازی می شدند و اگر چمران و صیاد هم در زمانهای پیش از انقلاب بودند، حتما آیت الله قاضی و علامه طباطبایی می شدند. این حرفتان خیلی مرا تکان داد و تازه فهمیدم که آیت الله قاضی و علامه طباطبایی و دیگر بزرگان را که آنها را گوشه گیر و به دور از سیاست و انقلاب، می پندارند، نیز در انقلاب اسلامی نقش داشته اند و در آن سهیم هستند. زیرا آیت الله قاضی، یکی از صد ها شاگردش، علامه طباطبایی است که مقام معظم رهبری راجع به تفسیر ایشان فرمودند که ما تا المیزان را نخوانده بودیم، انقلابی هم نبودیم و وقتی المیزان خواندیم، انقلابی شدیم. سوال ۱) اگر امکانش هست بفرمائید که رهبری این سخن را در کجا و چه تاریخی فرموده است؟ خیلی ها متوجه این ابعاد مختلف دین نیستند که در هر تاریخ و زمانه ای به یک نوعی ظهور و جلوه می نماید. متاسفانه در عرف عوام، به کسی انقلابی و سیاسی و استکبار ستیز می گویند که باید پشت تریبون برود و به چند تا از مسئولای بزرگ مملکتی فحش و ناسزا بگوید، آن وقت از منظر مردم، آن شخص انقلابی و استکبار ستیز است. سوال ۲) آیا نظرم درست است؟ یعنی بزرگانی همچون آیت الله قاضی و علامه طباطبایی و آیت الله بهجت و علامه حسن زاده و دیگر بزرگان، سیاستمدار و انقلابی و استکبار ستیز هستند؟ و آنان نیز در انقلاب اسلامی سهیم هستند و فقط مردم نمی توانند روش ضد استکباری آنان را درک کنند؟ سوال ۳) ملاک ها و شاخصهای انقلابی بودن و سیاسی بودن و استکبار ستیز بودن چیست؟ (تا فکر نکنیم که بزرگانی که نام بردم، خارج از مسیر این انقلاب هستند؛ بلکه با این شاخصها که شما به ما ان شاء الله می دهید، آن بزرگان را در مسیر اصلی این انقلاب و استکبار ستیز بدانیم و دیگر، آن بزرگان را متحجر و گوشه گیر نپنداریم) به عبارت دیگر، آن سیاستی که امام فرمود از دین جدا نیست، چه

سیاستی است؟ آن سیاستی که امام فرمود عین دیانت ماست، چه نوع سیاستی است؟ شما فرمودید که علامه حسن زاده را از خیلی ها سیاستمدار تر می دانم، ملاک های سیاستمداری چیست؟ (تا ما هم مثل شما بتوانیم آن بزرگان را سیاستمدار و انقلابی و استکبار ستیز بدانیم) استاد، این دغدغه ی خیلی از افراد است. اگر این ملاک ها و شاخصها روشن شود، دیگر به ظاهر عالمانی که دم از حب اهل بیت علیهم السلام و دم از دشمنی با دشمنان اهل بیت علیهم السلام می زنند، ولی در باطن دارند تیشه به ریشه ی اسلام می زنند را افرادی استکبار ستیز نمی دانیم. و بزرگانی را که حقیقتاً انقلابی و استکبار ستیز هستند را متحجر و گوشه گیر نمی پنداریم. ببخشید که طولانی شد. یا علی مدد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- حضرت آقا در یکی از خطبه های نماز جمعه در زمان ریاست جمهوری شان در آبان ماه که سالگرد رحلت حضرت علامه بود این جمله را فرمودند ۲- نظرتان در مورد روحیه ی استکبارستیزی عارفان بزرگ نه تنها درست که «ماه» است ۳- عارف بالله نه تنها حجاب های بین خود و خدا را که در اثر خودبینی و تکبر پیش می آید، رفع می کنند؛ با حجاب های ظهور حق در جامعه که توسط استکبار در شکل های مختلف ظهور می کند، مقابله می نماید منتها مطابق شرایط تاریخی خودش. از این جهت است که ممکن است روش آن ها چون به روش معمولی که فرهنگ مدرنیته به عنوان انسان اجتماعی تعریف کرده باشد، گوشه گیری قلمداد شود، ولی حضور نرم این بزرگان و کینه ای که در شاگردان اینان نسبت به استکبار به وجود می آید؛ حکایت از آن دارد که در جامعه ی خود به صورت فعال ولی به صورت روش خاص خودشان حاضرند و این است همان سیاست در عین دیانت که غیر از سیاسی کاری ها و به قول معروف «پدرسوختگی ها» بی است که دنیای استکبار نام سیاست به آن نامیده است ۴- در سیاست فهمی و اجتماعی بودن و شعور تاریخی داشتن حضرت آیت الله العظمی حسن زاده «حفظه الله» همین بس که در عصر چهارشنبه ای در زمان دفاع مقدس که در خدمت شان بودیم، فرمودند: (بنده هر وقت شهداء را به قم می آورند در عین تشییع آن ها در گوشه ای می ایستم و خطاب به آن ها عرضه می دارم: «السلام علیکم یا اولیاء الله»). نمی دانم این مرد بصیر در این جوانان نوری که از نظر ظاهر هیچ منزلی از منازل سلوک را طی نکرده بودند، چه می دیدند که تعبیر اولیاء الهی که اهل عرفان به کم کسی اطلاق می کنند، به شهداء اطلاق می کردند. همین بس که متوجه بودند این انقلاب، آن اندازه خالص و خدایی است که فدائیان آن در مقام فنای فی الله حاضر شده اند. آیا این ظریف ترین و لطیف ترین و نرم ترین سیاستمداری نیست؟! و آیا موتور یک جامعه ی فعال این نوع نگاه روحانی نمی باشد از آن جهت که باید در وصف شان گفت: «گر نبودند به جهان گوشه نشینانی چند / نه در افلاک سخن بود و نه در کون و مکان». موفق باشید